

# اصل تقارن (نوفهمی و خلاقیت)

اصل تقارن (نوفهمی و خلاقیت) بر مبنایی جهان‌شناختی استوار است. این مبنا می‌گوید: «چه در جهان عین و چه در جهان ذهن دو سرا و ساحت روشنایی و تاریکی وجود دارد. این دو ساحت تاریک و روشن، با هم متقارن هستند و هر آنچه در روشنایی است در تاریکی نمونه‌ای دارد و بالعکس.» پس اصل بر این است که هر اندیشه، هر عقیده و هر رفتار غلط، صورتی درست دارد. هر اندیشه باطلی، کج شده اندیشه‌ای درست است. هر صورت نورانی، برابرنهادی در عالم ظلمت و وهم دارد و بالعکس<sup>[۱]</sup>.

این راهبرد به ما پیشنهاد می‌کند که: «در مواجهه با اندیشه کج، در پی اندیشه درست همان باش.» مثلاً چنگانه‌پرستی، کج شده یکتاپرستی است. رذیله ترس و رذیله تَهَوُّر، صورتی درست دارد که شجاعت است. فلان مکتب عرفانی نادرست هم شاید مفاهیم عرفانی درستی را کج‌سازی کرده است. این اصل، فوت کاسه‌گری خلاقانه‌ای برای قوه خیال ما را گوشزد می‌کند و آن این است که وقتی قوه خیال پربکشد، بداند دنبال چه بگردد و به مجرد اینکه با سخن یا ایده سست و باطلی برخورد کرد، به سرعت منصرف نشود؛ بلکه احتمال دهد این ایده کج‌شده سخن و ایده‌ای درست است. حتی این نکته در بررسی و نقد و نیز گزارش یک مفهوم نیز یاری‌رسان خوبی است.

بنا به اصل تقارن، ایده‌ها و افکار و عقاید بد و اشتباه تبدیل به فرصت خلاقیت می‌شوند. در واقع تهدیدها به فرصت تبدیل می‌گردند.

---

[۱] □□□ تضاد تقارنی (Symmetrie Contrast) میان جنود عقل و جهل، درست و غلط و... در عالم ذهن و تضاد بین شیطان و فرشته، انسان و عمل خوب و بد، امر نافع و مضر، و... در عالم عین از جمله مستندات این اصل‌اند.